

Analysis of the speech act of women in Garshasbnameh

M. Jalali¹, M. Sadeghi²

بررسی سطوح گفتاری زنان در

گرشاسب‌نامه

مریم جلالی^۱، معصومه صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۵

Abstract

In this article, female talks have been investigated based on classification of speech acts John Searle in Garshasbnameh. Grshasbnameh, including literary texts, is written as the book value fictional epic structure and order in the fifth century AH. According to figures of speech acts in this book, Grshasbnameh can be considered in its special speech to investigate the effect of speech acts can be non-judgmental, general and sweeping generalizations, as a result of the documentary on the social relation, according to the speech act also found in ancient texts and implicitly from another angle, provided a model for the study of the genre. The Conversations are classified based on social life of the speaker in three groups. Results show that the highest levels of social discourses among women-women and women-men. Announcers in the top three, equal and below are sorted. The findings show that most of speech acts statements, Representative, commissive, directive and expressive act had used among women's statements. The absence of such an act of speech, indicates that weren't significant the social role of women in society.

Key words: Asadi Tusi, Garshasbnameh, Speech acts, Searle, Women.

چکیده

بررسی بافت کنش گفتار در یک متن می‌تواند مقدمات تحلیل روابط اجتماعی و انسانی افراد در جامعه را فراهم سازد؛ کتاب گرشاسب‌نامه از جمله متون ارزشمند ادبی است که ساختاری داستانی - حماسی دارد و در قرن پنجم هجری قمری به نظم نوشته شده است. هدف از این پژوهش، بررسی کنش‌های گفتار زنان موجود در این اثر است. با بررسی کنش‌های گفتاری این اثر می‌توان به نتیجه‌ای علمی و مستند درباره ارتباط سطح زندگی اجتماعی افراد با نوع گفتارشان در متن، دست یافت و الگویی را برای بررسی این نوع ادبی ارائه کرد. در مقاله حاضر بر مبنای دسته‌بندی کنش گفتار جان سرل، گفتارهایی که زنان در آن مشارکت داشته‌اند، استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتارهای زنان در گرشاسب‌نامه بر اساس تقسیم‌بندی جان سرل در سطح کنش‌های «اظهاری» است. به علاوه در میان آن، کنش «اعلامی» وجود ندارد. عدم وجود چنین کنشی در میان گفتار زنان نشان می‌دهد که آنان نقش اجتماعی قابل ملاحظه در جامعه کتاب گرشاسب‌نامه نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: اسدی طوسی، گرشاسب‌نامه، سرل، کنش گفتار.

1. Assistant Professor, Persian Language and Literature. Shahid Beheshti University.

Jalali_1388@yahoo.com

2. Assistant Professor, Persian Language and Literature. Azad Islamic University Garmsar Branch.

sadeghi2002@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی.

(نویسنده مسئول)

Jalali_1388@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

گرمسار.

مقدمه

یکی از نقاط اتکا در نقد نظام‌های قراردادی جامعه، بررسی زبان آن اجتماع است؛ با این نگرش، زبان به عنوان یک محصول اجتماعی و فرهنگی در تار و پود زندگی بشر تنیده شده و پدیده‌ای است که توانش بررسی از جنبه‌های گوناگون را دارد (گران- پایه، ۱۳۷۷: ۱۱۰). رسالت زبان در زندگی اجتماعی بشر با ایجاد ارتباط میان گذشته، حال و آینده تکمیل می‌شود.

زبان به انسان اجازه می‌دهد تا بتواند بازگوکننده شیوه‌های رفتاری یکسان از نسلی به نسل دیگر باشد (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۷). با این دیدگاه اهمیت و جایگاه زبان با توجه به سازه‌های گفتاری نمایان می‌شود. در این میان کتاب گرشاسب‌نامه به دلیل انعکاس گفتگو میان شخصیت‌های داستانی، قابلیت بررسی کنش‌های گفتاری را دارد. گرشاسب‌نامه دومین متن مهم حماسی بعد از شاهنامه فردوسی است. این اثر در قرن پنجم توسط ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی به نظم درآمده است؛ عده‌ای معتقدند که وجود داستان‌های شگفت‌انگیز در این اثر منظوم از اهمیت و ارزش آن کاسته است (صفا، ۱۳۵۲: ۲۸۵)؛ بی‌تردید آنچه این اثر را در گروه آثار حماسی قرار داده وجود پهلوانی‌ها، میهن‌دوستی‌ها، فداکاری‌ها و جنگ با تباهی و بدی است و علی‌رغم دیدگاه‌های کلی نسبت به توصیفی بودن این متن کهن، اثر حاضر در ارائه ظرایف ارتباطی، گفتار محور است و مانند دیگر آثار حماسی بر چهار اصل روایت محوری، قهرمان‌پروری، برجسته‌سازی باورهای ملی و خرق عادت استوار است. در بخش روایی این اثر منظوم، زنان حضوری فراوان دارند و نقش آنان غالباً در میان کنش‌های گفتاری نمایان می‌شود.

کنش‌های گفتاری در منظومه حماسی گرشاسب‌نامه محصول برقراری ارتباط کلامی و زبانی شخصیت‌هایی است که در این اثر حضور دارند. کنش‌ها با توجه به دو سویه گفتگو (گوینده و شنونده) قابل طرح و بررسی است.

هدف از پژوهش

بررسی زبان یک اثر به عنوان ابزار مبادله اجتماعی چگونگی روابط و فرهنگ یک جامعه را تعریف و تبیین می‌کند. هدف از این پژوهش بازیابی روابطی است که در میان کنش گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه پنهان شده است. نتایج پژوهش می‌تواند ارزیابی و قضاوت درباره کنش‌های گفتاری زنان در دوره‌های کهن را مستند سازد. در این پژوهش سعی داریم تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم: شخصیت زنان در گرشاسب‌نامه غالباً چه نوع کنش‌های گفتاری را در گفتگو به کار برده‌اند؟ کنش‌های گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه چه ارتباطی با نقش و شخصیت اجتماعی آنان دارد؟

سنجش و تحلیل مذکور بر اساس الگوی کنش گفتاری سرل انجام گرفته است. ابتدا به معرفی نظریه کنش گفتار سرل نگاهی خواهیم داشت و با این دیدگاه که زبان در خدمت برقراری ارتباط فرد با اجتماع است (باقری، ۱۳۷۷: ۵۹) به شخصیت اجتماعی زنان با توجه به ارتباط کلامی می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

علاوه بر وجود مبانی اولیه این نظریه در کتاب‌هایی که در بخش منابع آمده در ارتباط با تحلیل متون بر پایه کنش گفتار تاکنون تعداد اندکی مقاله به چاپ رسیده است که برمی‌شماریم:

نظریه کنش گفتار

جی ال آستین از پیشگامان پرداختن به نظریه گفتار (آستین ۱۹۷۰: ۲۴۰) است. او مبادله اطلاعات را در قالب ساختار گفتار می‌داند و گفتن را برابر با کنش گوینده به شمار می‌آورد (لطفی پور، ۱۳۷۲: ۱۰). از نظر او دو نوع ادای سخن وجود دارد: بیان اجراکننده و بیان تعیین‌کننده که در واقع شکل نخست، کنش کلامی به شمار می‌آید و شکل دوم شامل کنشی می‌شود که قابل صدق و کذب است (اسچکنر، ۲۰۰۲: ۱۱۱). در مقابل این نظریه دستور زبان «زیایی گشتاری» شکل گرفته (همان) و پس از آن نظریه استنباطی گرای مطرح شده که تلفیقی از نگاه گشتاری و ساختارگرایی بود. در این نظریه نقش ارتباطی جمله‌ها در زبان مورد بررسی قرار می‌گرفت. (فخام زاده، ۱۳۷۵: ۲۵)

نظریه کنش گفتار جان آر سرل در ادامه نظریات مذکور است. (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۷۲) جان سرل که تحت تأثیر مستقیم نظریه آستین قرار دارد کنش‌های اجراکننده آستین را بسط داد. با این تفاوت که از نظر آستین گفتارها در دو گروه کنشی و غیرکنشی یا همان بیانی و غیربیانی قرار می‌گیرند و از نظر سرل گفتارها همگی گفتار کنشی به شمار می‌آیند. (بریتون، ۲۰۰۰: ۳۰۲) تئوری سرل در حال حاضر بیشترین توجه صاحب‌نظران را در دنیا به خود معطوف ساخته است (لویسون، ۱۹۹۷: ۲۲۶).

براساس دیدگاه سرل نظام کنش گفتاری علاوه بر بیان تکواژها و کلمات بر پایه جمله‌ها تنظیم می‌شود (سرل، ۱۹۷۹: ۱۸۲) و دارای معنا و مرجع است. همین نگاه سبب شد به شکل عمیق‌تری به بافت جمله‌ها توجه شود تا جایی که اینک گروهی شکل‌گیری بافت کنش گفتار را در تعامل با ماهیت و مقصود از تولید آن کنش قلمداد می‌کنند (اسبیس،

«نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» (ساجدی، ۱۳۸۱) در این مقاله پژوهشگر به تحلیل گزاره‌های دینی، چندبعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین و اشتباهات برخی از دین‌شناسان غربی در غفلت از بعد اخباری گزاره‌های دینی و واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی دینی با تکیه بر دیدگاه آستین پرداخته است.

«تحلیل متن شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار» (پهلوان نژاد، رجب‌زاده، ۱۳۸۹): در این مقاله پژوهشگران سعی در تبیین و توجیه ایجاد ارتباط عمیق عاطفی گوینده با مخاطب یا مخاطبان زیارت‌نامه حضرت امام رضا علیه‌السلام بر پایه کنش گفتار داشته‌اند.

«تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» (فضائی؛ نگارش، ۱۳۹۰). در این مقاله از بعد سیاسی - دینی به کنش‌های گفتاری موجود در متن خطبه نگاه شده است.

«بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل» (پهلوان نژاد؛ اصطهباناتی، ۱۳۸۷). در این مقاله نویسندگان به تحلیل کنش گفتاری سخنرانی‌های احمدی‌نژاد و بوش و مقایسه نتایجشان با یکدیگر پرداخته‌اند و رابطه کنش بیانی و غیر بیانی آنان را با رسیدن به نتایج سنجیده‌اند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود هیچ‌یک از آثار مذکور مستقیماً به تحلیل ادبی متون کهن و پیوند آن با کنش گفتار مربوط نمی‌شود. در تحلیل‌های پیشین غالباً پژوهشگران به بررسی کنش گفتار در متون مذهبی و سیاسی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر می‌تواند بابت تازه در ارتباط با بررسی کنش گفتار در متون ادبی و ارتباط آن با دانش نقد اجتماعی بگشاید.

گرفت که گفتارها و گفتگوها در متن کهن داستانی گرشاسب‌نامه مجموعه مرده‌ای از کلمات نبوده‌اند بلکه جملاتی بوده‌اند که موجبات ایجاد و تعریف روابط اجتماعی را فراهم ساخته‌اند.

تأمل در گفتارهای گرشاسب‌نامه نشان می‌دهد که گاه فرد با خود سخن می‌گوید. چنین سخن گفتنی نیز بی‌هدف نیست و مقدمات ایجاد ارتباط ذهنی صاحب سخن را با دیگران فراهم می‌کند. برای مثال در ماجرای دختر شاه روم و دیدار با گرشاسب، دختر با خود این‌گونه سخن می‌گوید:

بسه دل گفت شاهی است این پر خرد

کزین سان نشست از شهان در خورد

(اسدی طوسی، ۱۳۸۶: ۵۰)

تأثیر چنین کنش گفتاری با اینکه ذهنی است قسمتی دیگر یعنی در ایجاد کنش گفتار واقعی دختر پادشاه با گرشاسب که پس از این روی می‌دهد، کاملاً نمایان می‌شود. در گرشاسب‌نامه تعداد زیادی از کنش‌های گفتاری در ابیات به واحدهای مکالمه‌ای تبدیل شده و ساختار داستان‌ها را کامل کرده است. در فرهنگ غرب مکالمه یا دیالوگ به معنای گفتگوی دوتایی یا چندجانبه یا ضربدری است و متکلم پس از هر چند جمله به مخاطب این امکان را می‌دهد تا سخنی بگوید. حدود دو هزار بیت از ابیات گرشاسب‌نامه به صورت دیالوگ محوری آمده است. یکی از این نمونه‌ها گفتگوی میان دختر پادشاه روم و پدرش است:

چنین گفت کای بخت پیشت رهی

مرا داده بودی تو فرمان ز پیش

کنون جفتم آن شاه نیک‌اخترست

همه کار جم یاد کرد آنچه بود

تو دانسی که ناید ز من بی‌رهی

که آنرا که خواهم کنم جفت خویش

در نتیجه چنین نگرشی، بافت گفتار به نوعی عملکرد اجتماعی و انسانی افراد را نشان می‌دهد؛ بنابراین کنش‌های گفتاری گویندگان زن در گرشاسب‌نامه حاوی معنایی اجتماعی است؛ در این باره پویترس معتقد است که کنش‌های انسانی از طریق کنش‌های گفتاری محقق می‌شود (پویترس، ۲۰۰۸: ۳۳۷)؛ لذا اهمیت کنش‌های انسانی را می‌توان از لابه‌لای کنش‌های گفتاری بیرون کشید. طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل به صورت زیر است:

کنش اظهاری (Representative act)

کنش تعهدی (commissive act)

کنش عاطفی (expressive act)

کنش ترغیبی (directive act)

کنش اعلامی (declaration act)

در گرشاسب‌نامه استفاده از سازه‌های گفتاری شخصیت‌ها و ایجاد گفتگو میان آنان به کمک کنش گفتاری، عنصری مستقل در داستان ایجاد کرده که مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار اسدی طوسی برای پیشبرد طرح داستانی است. در این متن، تنوع مختلف گفتار وجود دارد؛ ارتباط این مسئله با کنش گفتار با نگاهی به تئوری اولیه براونویول توجیه‌پذیر است. او تحلیل گفتار گوینده را محدود به صورت و شکل زبانی نمی‌کند و برداشت معنایی گفتار را در اولویت قرار می‌دهد (براونویول، ۱۹۸۹: ۱)؛ و روشن معتقد است تئوری سرل پوشش خوبی برای طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری است زیرا کنش‌های گفتاری سرل انواع مختلف گفتار را در برمی‌گیرد (ورشورن، ۲۰۰۳: ۲۴) به این معنی که یک گفتار می‌تواند متضمن یک یا چند کنش باشد.

با این باور که گفتگوها عوامل مؤثر در تعریف ارتباطات هستند (استاب، ۱۹۸۳: ۱) می‌توان نتیجه

که از هر شه اندر جهان بهترست

چو بشنید از شاه شادی نمود

(همان: ۶۰)

میر، گفت غم کان کنم کت هواست

ز بهر جم از جان و شاهی و گنج

تو رو زو ره پوزش من بجوی

به هر روی فرمان و رایت رواست

برای تو بدهم ندارم بهرنج

که فردا من آیم به گه نزد اوی

(همان)

در میان گفتگوهای موجود در گرشاسب‌نامه بخش

مهمی از گفتار و گفتگوی شخصیت‌های داستانی

توسط زنان بیان شده است. انتخاب گفتار زنانه در این

بررسی تا حدی به ادبیات جنسیتی نیز نزدیک است؛ در

مطالعات جدید، گونه‌های اجتماعی زبانی برحسب

طبقه، تحصیلات، شغل، سن، جنس و پارامترهای دیگر

اجتماعی بررسی می‌شوند (یول، ۱۳۷۴: ۲۸) که توجه

به این امر می‌تواند موجبات بررسی‌های بیشتری را

فراهم سازد. بحث کنش گفتار را با محوریت شخصیت

زنان در ماجراهای گرشاسب‌نامه پی می‌گیریم. این

مبحث از دو زاویه دیده شده است: گفتارهای زنان با

مردان و گفتارهای زنان با زنان. برای نمونه گفتار دختر

پادشاه روم با جمشید؛ زن گرشاسب با اترط؛ زن

بازرگان با گرشاسب و دختر کورنگ با پدر از گفتارهای

زنان با مردان و گفتار دختر شاه روم با کنیزان؛ زن

بازرگان با دختر شاه روم؛ دایه با دختر شاه روم و

دختر شاه زابل با زن جادو از گفتارهای میان زنان است

و هریک از زنان در آن کنش گفتاری دارند. در

گرشاسب‌نامه بر اساس آغاز گفتار، تعداد چهارصد و

نود و دو ساختار گفتاری وجود دارد که از این مجموع

نزدیک به بیست بدنه، متعلق به زنان است. در سیزده

ساختار گفتاری، جنسیت گویندگان دو طرف، زن است

و در هفت ساختار گفتاری، زنان با مردان سخن

می‌گویند. بررسی کمیت کنش گفتار زنان در

گرشاسب‌نامه در این مرحله نشان می‌دهد که زنان در

انجام کنش گفتاری، نسبت به مردان کمتر

حضورداشته‌اند؛ البته این امر با توزیع قدرت در میان

شخصیت‌های مرد این کتاب مرتبط است. ابتدا به تعیین

جایگاه کنش گفتاری زنان براساس تقسیم‌بندی سرل

می‌پردازیم.

دسته‌بندی کنش‌های گفتاری زنان

کنش اظهاری

در این کنش صدق گزاره وجود دارد و گوینده باور

خود را مبنی بر درستی وقایع بیان می‌کند و گاه

جملات گوینده با توصیف همراه می‌شود (سرل،

۱۹۷۹: ۱۳). مفاهیمی نظیر تأکید کردن، بیان واقعیت،

تصدیق و نتیجه‌گیری در این مجموعه قرار می‌گیرد.

گفتارهای اظهاری که بر اساس آغاز گفتگو میان

زنان ردو بدل شده است:

زن بازرگان با دختر شاه روم

ندانمش گفت از هنر و ز نژاد

ولیکن چنان کس ز مادر نژاد

(اسدی طوسی، ۱۳۸۶: ۲۰۶)

این کنش بیان‌کننده باور گوینده و دربردارنده

انفعال ذهنی او نسبت به مرد منتخبات است؛ زیرا

گوینده شیفته رفتار مردی شده است و این شیفتگی

در قالب کنش اظهاری قرار گرفته و تأثیرپذیری

گوینده را نشان می‌دهد.

دختر شاه روم با کنیزان

همی گفت کاین تور فرزند اوست

ازو زاد زیرا همانند اوست

(همان: ۶۳)

۱۹۷۹: ۱۵). اغلب گفتارهای امری در گرشاسب‌نامه که متضمن دستور و فرمان هستند در ایجاد ارتباط اجتماعی، ناتمام می‌مانند و به رابطه‌ای یک‌طرفه ختم می‌شوند؛ حتی در ابیاتی که درخواستی به شمار می‌آیند، سطح پرسش بیش از سطح پاسخ در متن است به این معنا که پرسش، بی‌پاسخ باقی می‌ماند. در قسمت‌های مختلف این نوع کنش گفتار، معنای ثانویه پرسش به بازخواست، بازجویی، توییح یا استفهام انکاری تبدیل می‌شود. این کنش در میان گفتارهای

زنان به شکل زیر صورت گرفته است:

سخن دایه با دختر پادشاه روم

چو دایه رخ ماه بی‌رنگ دید

پرسید کت نو چه انده رسید؟

(همان: ۲۰۷)

پرسش ترغیبی برای گرفتن پاسخ است. در این نوع گفتار، انفعال یا عدم آن، بستگی به موقعیت گوینده دارد.

زن گرشاسب با اثرط

بسی لابه‌ها ساخته زی پدر

که از پهلوان چیست نردت خبر

(همان: ۲۸۹)

براساس این تبیین، کنش واقعی گفتار با توجه به بافت زبانی ترغیبی است و با فعل «خبرگرفتن»، گوینده، مخاطب را به پاسخ‌گویی فرا می‌خواند، درعین حال انفعال رفتار یک زن نسبت به مرد در این کنش گفتاری دیده می‌شود.

دختر شاه روم با زن بازرگان

پرسید کاین مرد بیواره کیست؟

که گستاخی‌اش سخت یکبارگیست

(همان: ۲۰۶)

در این کنش گوینده یقین خود را نسبت به موضوع ابراز می‌کند و نظر خود را نسبت به شخصیت ابراز می‌کند.

دختر شاه روم با دایه

چنین داد پاسخ کز این نوجوان

دل شد به مهر اندرون ناتوان

(همان: ۲۰۷)

کنش گفتاری فوق در پاسخ به کنش گفتاری دیگری صورت گرفته است و در تبادل گفتگو، انفعال

گوینده دیده می‌شود.

زن بازرگان با دایه دختر شاه روم

چنین داد پاسخ که تا روز دوش

به یادش دما دم کشیدست نوش

(همان: ۲۰۷)

کنش اخیر وضعیت موجود را توصیف می‌کند. این کنش گفتاری با دربرداشتن توصیف دلسوزی برای عاشق، انفعال گوینده و اثرپذیری او را نشان می‌دهد.

در میان اشعار گرشاسب‌نامه هشت کنش گفتاری

زنان به شکل اظهاری آمده و در اغلب این ساختارها

گوینده درباره دیگران نظر داده است و در اندکی از

موارد نیز خود را تأیید کرده است. با اینکه ابیات

مذکور غالباً باهدف اطلاع رسانی و توصیف ذهنیت

گوینده بیان شده‌اند، اغلب گویای انفعال زنان هستند

و تنها در دو مورد بی‌جنب و خشتی بوده‌اند.

کنش ترغیبی

در این کنش گفتاری، گوینده سعی در ترغیب

مخاطب به انجام کار دارد. این کنش گفتار، گاه با

اجبار، دعوت، تمنا و خواهش همراه است (سرل،

عبارت فوق در ابتدا با ترغیب شروع می‌شود و کنشگر نظر مخاطب را درباره فرد مقابل می‌پرسد. در اینجا دختر پادشاه به‌عنوان کنشگر گفتاری با تحکم سؤال می‌کند و در عین حال کلام او فحوایی توییح آمیز دارد.

دختر شاه زابل با کنیزک

که برنا اگر چیز جز می نخواست

بدان پس که مهمانیی خواست راست

(همان: ۴۸)

گوینده با واژه «بدان» به شنونده هشدار و آگاهی می‌دهد و او را به سمت آگاهی یافتن ترغیب می‌کند؛ در عین حال با توجه به شخصیت گوینده در این کنش گفتاری اثرپذیرینرفته است.

زن بازرگان با گرشاسب

بسازید در گلشن زرنگار

یکی بزم خرم‌تر از نوبهار

(همان: ۲۰۸)

کنش گفتار بالا، درخواستی، پیشنهادی است و معنای انتظار در آن قرار دارد. زن جادو با نامداران سپاهیان زابل

بگوئید تا اندرین خانه زود

بیاید که داردش بسیار سود

(همان: ۲۳۶)

کنش گفتار با توصیه همراه است در عین حال عملکرد زن جادو در مقابل سپاه، منفعلانه است.

دختر پادشاه روم با گرشاسب

پری‌چهر گفت ایچ پیل آن توان

ندارند پس چون توانی تو آن؟

(همان: ۲۰۹)

دختر پادشاه، گرشاسب را با این سؤال ترغیب می‌کند تا توان خود را به نمایش بگذارد. بازتاب

عمل شنونده برای گوینده، پاسخی را که او مدنظر دارد به ارمغان می‌آورد.

دختر پادشاه روم با پدرش

مشو گفت در خون شاهی چنین

که بدنام گردی برآیی ز دین

(همان: ۶۱)

این کنش درخواستی، توأم با تحذیر است. دختر نمی‌تواند به پدر تحکم کند بنابراین با اینکه می‌داند ممکن است درخواستش پذیرفته نشود، سخن خود را به پدر بازگو می‌کند. فرمان نهایی پدر، انفعال کنش گفتاری دختر را نشان می‌دهد.

دختر پادشاه روم با جمشید

چنین داد پاسخ بت دل گسل

که خورشید پوشید خواهی به گل

(همان: ۵۶)

استفهام انکاری موجود در این کنش ترغیبی همراه با درخواست است؛ یعنی گوینده از شنونده می‌خواهد تا کاری را انجام ندهد اما از آنجا که جمشید، مختار است، کنش گفتاری دختر پادشاه اثرگذارنده نیست.

کنش‌های گفتار ترغیبی زنان در گرشاسب‌نامه در یازده بدنه گفتاری قرار گرفته‌اند این کنش‌ها صرفاً تبادل پرسش و پاسخ نیستند بلکه کنش‌های مذکور باوجود امری و درخواستی بودن، نمایشگر اثرپذیری زنان در گفتار است.

کنش تعهدی

در این کنش گوینده خود را متعهد به انجام کاری می‌کند؛ بازتاب این نوع از کنش‌های گفتار با گذشت زمان محقق می‌شود. (سرل، ۱۳۸۶: ۱۵)

در گرشاسب‌نامه این نوع گفتارهای زنانه بر پایه

کنش عاطفی

در این نوع کنش گفتاری، گوینده احساسات خود را بیان می‌کند. این کنش گفتار گاه با تبریک، درود و تحسین، قدردانی و حتی ناسزا همراه است. (سرل، ۱۹۷۹: ۱۶) در گرشاسب‌نامه کنش‌های گفتاری عاطفی زنان گاه با دیگر انواع کنش گفتار، تکمیل می‌شود؛ برای مثال در بیت:

زن جادو با دختر شاه زابل

به زابل زبان گفت کای مهرجوی

چنین میهمان چون فتادت به گوی

(اسدی طوسی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۴)

گفتار با کنش عاطفی شروع شده سپس ترغیبی می‌شود، زیرا زن جادو از دختر شاه زابل می‌خواهد که مشکلش را با او در میان بگذارد. سپس با جمله‌های اظهاری برای او آینده‌نگری می‌کند و به او وعده می‌دهد که صاحب فرزند خواهد شد. در کنش گفتاری عاطفی فوق اثرپذیری به صورت دلجویی بیان شده است. کنش‌های گفتاری عاطفی زنان در گرشاسب‌نامه غالباً به صورت ندایی آغاز شده است که نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

کنیزک با دختر شاه زابل

کنیزک بخندید و آمد دوان

به بانو بگفت ای مه بانوان

(همان: ۴۸)

دختر پادشاه روم با جمشید

فغ ماهرخ گفت کای ارجمند

در این پرریان از چه ماندی نژند

(همان: ۵۴)

دختر پادشاه روم با جمشید

به جم گفت کای خسته از رنج راه

درین سایه‌گاه از چه کردی پناه

(همان: ۴۹)

ایجاد تضاد و پیش‌کنش‌های اولیه بنا شده است؛ بنابراین بدنه گفتاری در سازه گفتگو نمی‌تواند کاملاً مستقل در نظر گرفته شود و ضروری است که به زیرساخت گفتار دقت و معنای ثانویه آن در نظر گرفته شود. کنش‌های زیر در این مجموع قرار می‌گیرند:

دختر شاه روم با جمشید

بگفت ار دو بال و پر ماده راست

بدوزم پس آن کم خوش آید مراست

(همان: ۵۳)

دایه دختر شاه روم با زن بازرگان

بدو گفت دایه که کامت رواست

اگر میهمان ترا این دو راست

(همان: ۲۰۸)

پیرزن قیروانی با سالار افریقی

زن پیر نشناخت او را و گفت

اگر خورد خواهی و جایی نهفت

گرازت نیارم که زرکن شیار

نگویم که خاک آور اندر کبار

زمانی بدین داس و گندم درو

بکن پاک پالیزم از خار و خور

(همان: ۲۶۴)

در ساختارهای فوق ازدواج و پیوند دختر شاه روم

با جمشید کنشی تعهدی از جانب دختر نسبت به جمشید است و انفعال دارد. در شعر دوم نیز پیمان و قول به صورت سطحی و با توجه به اختیارات اجرایی گوینده انجام شده و کنش گفتار خشی است و در سومین بدنه شعری، ایجاد شرط و شرایط توسط زن نسبت به مرد، برای بخشیدن امکانات است. در ابتدا تأکید می‌شود که پیرزن قیروانی سالار سپاه افریقی را نشناخته است؛ بنابراین رفتار اثرگذار او در کنش گفتاری توجیه می‌شود.

مردان در اکثر کنش‌های گفتاری دیده می‌شود. البته این مسئله صرفاً کشف پدیده‌ای نوظهور در جامعه معرفی شده در گرشاسب‌نامه نیست. میل معتقد است که این سلطه محدود به گروه خاصی نمی‌شود و پیشتر میان مردان و اقشار و طبقات مختلف اجتماعی جوامع مشترک بوده است (میل، ۱۳۷۹: ۲۹). با این وجود با بررسی حاضر می‌توان به صورت مستند در این باره اظهار نظر کرد.

با توجه به کنش گفتار گویندگان زن در گرشاسب‌نامه در بخش‌هایی که کنش‌های گفتاری، واکنش گفتاری در پی داشته و منجر به دیالوگ شده است، می‌توان روابط پنهان میان نوع کنش گفتاری شخصیت‌های زن را در تطابق با شخصیت اجتماعی افراد بازیابی کرد. بر این اساس ابتدا موقعیت اجتماعی کنشگران گفتار باید تعیین شود.

موقعیت اجتماعی طرفین گفتگو در کنش گفتاری
زبان این قابلیت را دارد تا تمام زمینه‌ها و عناصر متخبط را در زمان و مکان با یکدیگر ترکیب کند (ریویر، ۱۳۷۹: ۲۶۲).

آنچه ماجراهای زنانه را در کتاب گرشاسب‌نامه پیش می‌برد، گفتگوهایی است که حاصل چنین ترکیبی در میان شخصیت‌های اجتماعی موجود در اثر است. این امر نشان‌دهنده شناخت اسدی طوسی به رابطه میان شخصیت‌های اثر است. چه بسا تفاوت‌های اجتماعی اعم از جنسیت و طبقه اجتماعی در میان افراد وجود داشته باشد اما این امر مانع ایجاد ارتباط کلامی در اثر مذکور نشده است؛ مدرسی به نقل از بلومفیلد گفته است که در سطح یک جامعه زبانی تفاوت‌های وجود دارد که با قشربندی‌های درونی آن جامعه مربوط‌اند اما به‌طور معمول مانع ایجاد ارتباط میان سخنگویان نمی‌گردند. (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۸)

دختر پادشاه روم با پدر
چنین گفت کای بخت پیشت رهی
تودانی که نادید زمن بی رهی
(همان: ۶۰)

دختر پادشاه روم با جمشید
دلارام گفت ای شه نیک دان
نه هر زن دو دل باشد و ده زبان
(همان: ۵۷)

دختر پادشاه روم با پدرش
که سازد نهران شه به جانس گزند
چنین گفت کای خسرو ارجمند
(همان: ۲۱۲)

مثال‌های فوق نشان می‌دهد که اغلب کنش‌های گفتاری عاطفی در متن گرشاسب‌نامه با نوازش، دعا، تحسین و ثنا همچون صفات: ارجمند، نیک دان و رهی دار برای مخاطب مرد، شروع شده است. گفتارهای زنان با مخاطبان مرد، نشان‌دهنده توجه ویژه زنان به مردان و انفعال آنان در کنش گفتاری است. اثرپذیری‌های مذکور گویای تسلط غیرمستقیم مردان اجتماع بر زنان است.

کنش اعلامی

این کنش با اجرا همراه است. در واقع گوینده چیزی را که می‌گوید همراه با اجرای عملی آن است و فاصله زمانی میان گفتار و عمل وجود ندارد (سرل، ۱۹۷۹: ۱۷)؛ برای مثال اعلام انتصاب فردی به مقامی توأم با انتصاب آنی او در آن مقام است. چنین کنشی در هیچ‌یک از گفتارهای زنانه در گرشاسب‌نامه دیده نشده است. نگاه به شخصیت زنان در گرشاسب‌نامه و چگونگی کنش گفتار آنان با هم‌جنسان خود و با مردان، حاکی از تفوق و تسلط مردان بر زنان است؛ اثرپذیری زنان نسبت به

(همان: ۴۸)؛ دختر شاه زابل با گروه زنان (همان: ۶۳)

کنش‌های گفتاری این سطح اغلب میان زنان روی داده است و نشان می‌دهد فرمان‌پذیری، توسط زنان پایین‌دست صورت می‌گرفته و اغلب ارتباط کلامی با زنانی شروع شده است که موقعیت برتری نسبت به دیگران داشته‌اند.

کنش‌های گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه بر اساس موقعیت اجتماعی گویندگان و شنوندگان به سه گروه تقسیم می‌شود:

گوینده زن در موقعیت اجتماعی برابر با شنونده؛

گوینده زن در موقعیت اجتماعی برتر به شنونده؛

گوینده زن در موقعیت اجتماعی پایین نسبت به

شنونده

گوینده زن با موقعیت اجتماعی پایین دست

کنش گفتاری در این سطح در میان گفتگوی زنان با زنان و زنان با مردان تقریباً به تساوی توزیع شده است و نشان می‌دهد زنان زیردست آزادی بیشتری در ارتباط با افراد داشته‌اند. نمونه‌های موجود را ذکر می‌کنیم: دایه دختر شاه روم با زن بازرگان (همان: ۲۰۷-۲۰۸)؛ زن جادو با نامداران سپاهیان زابل (همان: ۲۳۶)؛ پیرزن قیروان با سالار سپاه افریقی (همان: ۲۶۳)؛ دایه با دختر شاه روم (همان: ۲۰۷)؛ زن بازرگان با دختر شاه روم (همان: ۲۰۶-۲۰۸)؛ زن بازرگان با گرشاسب (همان: ۲۰۸).

ارتباط تقسیم‌بندی‌های سرل در کنش گفتار با موقعیت اجتماعی این‌گونه تبیین می‌شود: از میان هشت کنش گفتاری که به صورت اظهاری آغاز شده است سه‌بدنه متعلق موقعیت برتر اجتماعی و سه‌بدنه با موقعیت اجتماعی برابر و در دویده شروع‌کننده کنش گفتار، زیردستان هستند. از میان یازده بدنه گفتاری در کنش ترغیبی، پنج بدنه گفتار از جانب گوینده هم‌سطح، سه‌بدنه از جانب گوینده برتر و سه‌بدنه از جانب گوینده زیردست صورت گرفته است. کنش گفتار زنان در شکل هم‌سطح به صورت

گویندگان با موقعیت اجتماعی برابر

در چهار بدنه گفتاری موقعیت اجتماعی گویندگان با یکدیگر برابر بوده و به این شرح است: دختر پادشاه روم با پدر (اسدی طوسی، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱)؛ دختر پادشاه روم با جمشید (همان: ۴۹-۵۷)؛ دختر پادشاه روم با خود (همان: ۵۰)؛ دختر پادشاه روم با گرشاسب (همان: ۲۰۹).

به نظر می‌رسد کنش گفتاری در زنان هم‌سطح در اثر کمتر از دیگر کنش‌هاست و مهم آن است که شنونده این گفتارها غالباً مردان بوده‌اند. در واقع الگوی سخنگویی زنان به وسیله موقعیت اجتماعی آنان تعیین شده است.

گوینده زن با موقعیت اجتماعی برتر

در این سطح کنش زبانی توسط کسی صورت می‌گیرد که نسبت به شنونده در موقعیت اجتماعی برتر قرار دارد. هر یک از طرفین دارای نقش‌های اجتماعی متفاوتی هستند و بازتاب آن در کنش گفتاری‌شان مشخص است. به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم: دختر شاه روم با دایه (همان: ۲۰۷)؛ دختر شاه روم با زن بازرگان (همان: ۲۰۶)؛ دختر شاه زابل با زن جادو (همان: ۵۴)؛ دختر شاه زابل با کنیزک

این میان کنش تعهدی که در پایین‌ترین درجه قرار دارد غالباً با عهد و پیمان همراه است. در مجموع اغلب کنش‌های گفتاری بررسی شده، نشانگر ضعف جایگاه اجتماعی زنان نسبت به مردان و کم‌رنگ بودن نقش اجتماعی آنان در جامعه معرفی شده در گرشاسب‌نامه است.

پرسش و انتظار پاسخ بوده است. کنش گفتار افراد برتر با پایین‌دست، شکل امری و نهی دارد و کنش گفتار زیردست با برتر به صورت پرسش مؤدبانه همراه با دلسوزی و گاه خواهشی بیان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

کنش‌های گفتاری در گرشاسب‌نامه به منظور برقراری ارتباط گوینده با مخاطب یا مخاطبان است. این کنش‌ها با توجه به دوسویه گوینده و مخاطب و در نظر گرفتن گوینده زن در سه موقعیت اجتماعی برابر، برتر با پایین‌دست انجام شده است. بررسی کنش‌های گفتاری زنان نشان می‌دهد که گویندگان زن اغلب افراد برتر اجتماع هستند و شنوندگان در حالت فرمان‌برداری به سر می‌برند و به‌ندرت پاسخگو و متکلم هستند. به‌علاوه از میان بیست بدنه کنش گفتار زن محور در گرشاسب‌نامه، سیزده کنش گفتاری متعلق به زنان با زنان و هفت کنش گفتار متعلق به زنان با مردان است. با توجه به تئوری کنش‌های گفتاری سرل گفتارهای ترغیبی، اظهاری، عاطفی و تعهدی به ترتیب بیشترین بسامد کاربرد را میان کنش گفتاری زنان داشته و کنش اعلامی هیچ نوع کاربردی نداشته است. به‌علاوه کنش گفتار ترغیبی غالباً فحوایی مؤدبانه داشته و به صورت خواهش و سؤال مطرح شده است. کنش‌های گفتاری عاطفی بیش‌تر میان کنشگر زن و مخاطب مرد انجام گرفته است. این شکل از کنش گفتاری نشان می‌دهد زنان نگاهی کاملاً احترام‌آمیز و سلطه‌پذیر به مردان داشته‌اند. کنش‌های اظهاری نیز در جهت ایجاد شناخت، تثبیت و تأیید صدق گفتار زنانه بوده است. در

منابع

- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۸۶).
 گرشاسب‌نامه. تصحیح حبیب یغمایی ویراستار
 پرویز یغمایی. تهران: دنیای کتاب.
 اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۹). زندگی و مرگ
 پهلوانان در شاهنامه. تهران: ابن‌سینا.
 باقری، مه‌ری (۱۳۷۷). مقدمات زبان‌شناسی. تهران:
 پیام نور.
 جک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های
 گفتار. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران:
 فرهنگ.
 ریویز، کلود (۱۳۷۹). درآمدی بر انسان‌شناسی.
 ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
 صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲). حماسه‌سرایی در ایران. تهران:
 امیرکبیر.
 صفوی، کوروش (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی
 معنی‌شناسی. تهران: فرهنگ معاصر.
 فخام‌زاده، پروانه (۱۳۷۵). «نقش نهادهای کلامی». رساله
 کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی: تهران.
 قنادان و همکاران (۱۳۷۵). مفاهیم کلیدی
 جامعه‌شناسی. تهران: نشر آوای نور.

- Levinson, Sc.Sc (1997). *Pragmatics*. New York: Cambridge University.
- Poythress, V. R. (2008). Canon and speech act: limitation in speech acts theory, with Implication for a putative Theory. *Westminster theoretical journal*. 70.pp 337-354.
- Sbisa, M. (2002). "Speech Acts in context " *language and communication*. 22.pp.421-436.
- Schechner, R. (2002). *Performance studies, an introduction*. London and New York: Rutledge.
- Searle, J. R. (1979). *Expression and meaning: studies in the theory of speech acts*. Cambridge: Cambridge university press.
- Stubbs, M (1983). *Discourse analysis: The sociolinguistic Analysis of natural*. Cambridge: Cambridge university press.
- Verschueren, J. (2003). *Understanding pragmatics*. London: Arnold.
- گرانبایه، بهروز (۱۳۷۷). فرهنگ و جامعه. تهران: نشر شریف.
- لطفی پور، کاظم (۱۳۷۲). «درآمدی بر سخن کاوی». مجله زبان‌شناسی. بهار و تابستان. صص ۹-۴۰.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- میل، جان استوارت (۱۳۷۹). *انقیاد زنان*. مترجم علاءالدین طباطبایی. تهران: هرمس.
- یول، جورج (۱۳۷۴). *بررسی ساخت یک زبان*. ترجمه نسرين حیدری. تهران: نشر سمت.
- Brinton, L. J. (2000). *The structure of modern English: a linguistic introduction*. Amsterdam: Benjamins.
- Brown, G. & Yule. G. (1989). *Discourse analysis*. New York: Cambridge university.

